



ارلند لو

آبرابله

ترجمه شقایق قندهاری

مقدمه

شکایت بیهوشی • برآمدگی زردی • و اختلال

کلیه • شکر • دیابت

مجموعه ۱۰۰۷ • ۷۶۶۱ • ۷۶۶۱

بیماری • زردی • زردی • زردی • زردی • زردی

شکر • دیابت • زردی • زردی • زردی • زردی

ISBN 978-964-380-624-7

ISBN 978-964-380-624-7

دوستانه	۱۷۱
دو	۵۷۱
دوستانه	۱۷۱
دوستانه	۵۷۱
دوستانه	۲۷۱
دوستانه	۶۷۱
دوستانه	۷۷۱
دوستانه	۱۶۱
دوستانه	۵۵۱

فهرست

۹	دیوار
۱۷	توپ
۲۵	درخت
۳۱	زمان
۳۹	دو چرخه
۴۵	مرشد
۴۹	زندگی
۵۱	بیشه زار
۵۹	حیوانات
۶۹	چهار
۷۳	تخته
۸۳	خلاء
۸۷	پرنده
۹۱	دختر
۱۰۱	بیرون از خانه
۱۰۷	عشق جنون آمیز
۱۱۷	دوست
۱۱۹	پاپ

آسانسور	۱۲۱
پل	۱۲۵
باران	۱۳۱
صمیمیت	۱۳۵
ترسناک	۱۳۹
بینش	۱۴۳
دست	۱۴۷
فرم	۱۵۱
اشعه ایکس	۱۵۵
معنا	۱۵۷
بیانیه	۱۵۹
N	۱۶۱
شهر	۱۶۷
سگ	۱۷۳
هوپی	۱۷۷
۱-۸۰۰-پارک‌ها	۱۸۳
کتابخانه	۱۸۷
پارک	۱۸۹
خنک‌تر	۱۹۱
نزدیک	۱۹۵
جغد و پیشی	۱۹۷
کلاه ایمنی	۲۰۵
یادداشت	۲۰۹
خیلی زیاد	۲۱۱
ساختمان	۲۱۹
درختان	۲۲۵
سفر	۲۲۹
جواب	۲۳۱

دیوار

من دو دوست دارم، یک دوست خوب و یک دوست بد. و البته برادرم هم هست. شاید او مثل من خونگرم و صمیمی نباشد، ولی خوب است. در مدتی که برادرم نیست، من از آپارتمانش استفاده می‌کنم. آپارتمان دلنشینی است. برادر من نسبتاً پولدار است. خدا عالم است برای امرار معاش چه کار می‌کند. من به این موضوع توجه چندانی نکرده‌ام. چیزی می‌خرد یا می‌فروشد و حالا به سفر رفته و این‌جا نیست. به من گفت عازم کجاست. این مطلب را جایی یادداشت کرده‌ام. شاید آفریقا بوده باشد. شماره فکسی به من داده است و دستورالعمل‌هایی برای این‌که نامه‌ها و پیام‌ها را برایش فکس کنم. این وظیفه کوچک برعهده‌ام گذاشته شده است. یک کار ساده معقول و قابل اجرا. در عوض من هم می‌توانم این‌جا بمانم. من قدردان این مسئله هستم. درست همان چیزی است که احتیاج دارم. زمان کوتاهی برای این‌که نگران نباشم و به خودم سخت نگیرم. این اواخر زندگی‌ام عجیب و غریب شده است و به مرحله‌ای رسیده‌ام که به کل علاقه‌ام را به همه چیز از دست داده‌ام.